

مروری تحلیلی
بر سخنان امام
در باره حج

حج از دیدگاه امام

نیست چرا که منشأ و مبدأش وعده‌هائی است که در روایات اسلامی به ما داده شده است و ما معتقدیم که در کنار خانه کعبه، قیام جهانی اسلام بدست حضرت مهدی سلام الله علیه، ان شاء الله آغاز خواهد شد.

امام خمینی از سالها پیش از پیروزی انقلاب، نقطه نظرهای خود را در رابطه با حج مطرح کردند و تا آنجا که در دست ما هست از سال ۱۳۴۹، در پیامهای خودشان که بمناسبت حج (هرسال) صادر می کردند، مطالبی را در ارتباط با حج بیان کرده و دیدگاه خویش را در تحلیل و توصیف این عبادت مهم، تذکر داده اند.

در پیامی که سال ۴۹ صادر کردند، این جمله‌ها دیده می شود: «باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال، در این سرزمین مقدس فراهم می شود، شما ملت‌های مسلمان را مکلف می سازد که در راه اهداف مقدسه اسلام و مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید».

حج، عبادت اجتماعی است

برداشت امام از حج - همانگونه که از پیامشان پیدا است - این است که حج صرفاً یک عبادت برای اینکه انسانی رابطه فردی و خصوصی خود را در رابطه با مبدأ جهان بسازد نیست بلکه در این عبادت، مسائل دیگری فراتر از این امر فردی و خصوصی مورد توجه قرار گرفته است و به عبارت دیگر: اگر مقصود از حج، صرفاً برقراری یک رابطه فردی و خصوصی بین انسان و خدای خود بود، در همه جای زمین پنهان خداوند، مقدور و میسر می شد و هیچ نیازی نبود که تنها در نقطه خاصی از جهان برگزار شود، چنانکه می بینیم مسلمانان در تمام ایام سال هرکس در هر نقطه ای از زمین باشد می تواند به عبادت خدا بپردازد و مسلمانان نه تنها در مساجد و معابد عمومی مسلمین که در خانه های خود نیز می توانند خدا را نیایش و پرستش کنند و به عبادت و مناجات بپردازند. و از آن گذشته اگر فرض بگیریم که عبادت در کنار خانه خدا یا در مواضع مشرفه ای مانند عرفات و منی و مشعر، مطلوب خداوند است و تأثیر خاصی در رابطه با تزکیه و تصفیه نفس در روحیه انسان می گذارد، مردم در زمانهای

تحول در عبادت‌ها

با پیروزی انقلاب اسلامی تحولی در برگزاری اعمال و مناسک حج بیت الله الحرام آغاز شد که این تحول ناشی از احیای ارزشها و مستهای اسلامی بود.

عبادتها، سنتها و شعائر اسلامی که در طول قرنهای متمادی از محتوای اولیه خود خارج شده بود و به صورت یک سلسله اعمال خشک و بدون محتوا درآمده بود و ارزشهای واقعی خود را از دست داده بود، با آغاز انقلاب اسلامی انقلابی در این سنتها و شعائر اسلامی پدید آمد که آنها را به حقیقت های اصلی و اولیه خویش بازگرداند و در اینجا باید اشاره ای به نقش بسیار قابل توجه و حائز اهمیت امام بنمائیم:

امام خمینی دام ظلّه پیش از آنکه نظام شاهنشاهی را در ایران ساقط کند و جمهوری اسلامی را جایگزین آن سازد، در مقدمه این پیروزی بزرگ، پیروزیهای والای دیگری بدست آورده بود که یکی از بزرگترین و ارزشمندترین پیروزیها همین موفقیت امام در احیای سنتها و شعائر اسلامی و برگرداندن آنها به حقایق اولیه شان می باشد. و در این زمینه باید اقرار کرد که: اگر امام در این قدم موفق نشده بود، در سرنگونی نظام شاهنشاهی و جایگزینی جمهوری اسلامی هرگز موفق نمی شد. و در این میان باید از جایگاه ویژه ای که حج در شعائر اسلامی دارد و در اثر تلاشها و کوشش های مستمر امام، در آن تحولی شگرف پدید آمده است، نام برد.

حج محمدی ابراهیمی

همانگونه که ملاحظه می کنیم عبادتها و شعائر اسلامی در انقلاب مقدس اسلامی ما متحول شده و به واقعیتهای اولیه خویش بازگشته است، و چون در این میان، حج از اهمیت بسیار والائی برخوردار است، از این روی، تحول و بازگرداندن حج به آن محتوای اولیه خودش و به تعبیر حضرت امام «حج محمدی ابراهیمی»، دارای برکات و بهره های فراوانی برای جامعه جهانی اسلام خواهد بود و ما امیدواریم در آینده از همین پایگاه حج، ان شاء الله شاهد تحولهای عظیمی در جهان اسلام باشیم. البته این امید تنها یک آرزو



من نمی دانم اینها چگونه می گویند مراسم حج مسأله سیاسی نیست در حالی که قرآن کریم صریحاً خانه کعبه را مرکز قیام مردم و مبارزه با شرک و کفر جهانی دانسته است؟!

آیه الله العظمی منتظری

مختلف می توانند به آنجا مسافرت کرده و عبادت خدا کنند، پس چه نیازی به این هست که همه در یک زمان معین به آنجا بروند و در آنجا اجتماع کنند و همه با هم این عبادت الهی را انجام دهند؟^۱ بنابراین، بی گمان واجب بودن حج در زمان مخصوص و معین، کنار خانه خدا و آن مواقف و مشاعر عظیم، دارای انگیزه ای بالاتر و والاتر از انگیزه ای است که در عبادت فردی منظور شده است.

در این ایام است که مسلمانان از تمام نقاط جهان، با نژادهای مختلف و رنگها و زبانهای گوناگون و با آن آداب و سنت ها و فرهنگها که در هر قبیله و گروه و ملتی متفاوت و متمایز است، در یک زمان و با یک شکل، برای یک عبادت هماهنگ، جمع می شوند. در اینجا است که باید مسلمانان به فکر چاره جوئی برای مسلمانان و مستضعفان درین باشند و به داد اسلام و مسلمین برسند. امام به این نکته مهم توجه کرده اند و با استفاده از همین نکته است که در پیام سال ۶۹ می فرمایند: «اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس گرفتاریهای ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند». یعنی این مرکز مقدس، مجمعی است که خداوند آنرا فراهم کرده تا مسلمانان از نقاط مختلف جهان بیایند و مسائل و مشکلات و گرفتاریها و یا پیشرفت ها و موفقیت های خود را گزارش کنند تا سایر مسلمین در پی رفع آن مشکلات برآیند و از آن پیشرفت ها الگو بگیرند. بنابراین، امام از این عبادت که با این خصوصیات تشریح شده است، چنین برداشت می کنند که: این عبادت دارای ابعاد سیاسی و اجتماعی است و صرفاً یک بعد عرفانی و روحانی ندارد. و این مطلب را در پیام سال ۶۳ به صراحت بیان کرده اند.

بُعد سیاسی حج

«اکنون که در آستانه فریضه مبارکه حج هستیم، لازم است توجهی به ابعاد عرفانی و روحانی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن داشته باشیم... و از همه مهمتر و مورد غفلت تر، بعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست جنایتکاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود و مسلمانان امروز و در این عصر که عصر جنگ است، بیشتر از هر زمان موظف به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند...»
آنچه از این جملات امام و سایر پیام های معظم له بر می آید،

تأکید بر این معنی است که: درینش و برداشتی که امام از حج دارند، بُعد سیاسی آن مهتمتر و ارزشمندتر از ابعاد دیگرش می باشد. و تأکید هم می کنند که این بُعد سیاسی در طول قرنهای مهجور بلکه مهجورتر مانده و جنایتکاران و قدرتهای ستمگر در جهان اسلام، کوشش و تلاش کرده اند که این بُعد سیاسی حج را به فراموشی بپارند زیرا حج کنگره ای است که از آن کنگره این امکان برای مسلمین بوده است که حرکتی گسترده را علیه قدرتهای ستمگر و ظالم آغاز کنند و از این روی، ظالمین و ستمگران چون چنین شناختی از حج داشتند و می دانستند که از این پایگاه چه خطری حیثیت بلکه وجود آنها را تهدید می کند، تلاش کردند که مسلمین در انجام این عبادت بزرگ، از این بُعد عظیم سیاسی غافل شوند.

و بدینجهت است که امام با قاطعیت این نظریه را مطرح کرده اند که در حج، صرفاً اکتفا کردن به عبادت فردی کافی نیست و آن حتی کامل است که ضمن توجه به ابعاد عرفانی و روحانی آن، کوینده مستکبران و ستم پیشگان باشد. امام در سخنرانی سال ۶۲ که در دیدار با روحانیون کاروان های حج داشتند، چنین فرمودند:

شرط قبولی حج

«مسلمین باید در حج وقتی که می روند، یک حج زنده، یک حج کوینده، یک حجی که محکوم کننده این شوروی جنایتکار و آن آمریکای جنایتکار باشد، انجام دهند. چنین حجی، حج مقبول است. اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم بلکه برخلاف مصالح مسلمین روی جنایت ها برده بپوشیم و نگذاریم مسلمین صحبت بکنند از جنایتهائی که بر مسلمین می گذرد و جنایتهائی که از حکومت ها و از قدرتهای بزرگ بر مسلمین می گذرد، این حج نیست، این یک صورت بی معنی است.

حجی که خدای تبارک و تعالی می خواهد و حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می روید حج، مسلمین بلاد را بیدار و با هم متحد کنید. بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمان تحت فشار و قدرت چند صد میلیونی باشند؟!...»

همانگونه که ملاحظه می کنیم، امام قدم را فراتر گذاشته اند و شرط قبولی حج را در این می دانند که از طرفی جنایتکاران و

قدرتهای مستمگر را محکوم کند و از طرفی دیگر، برای مشکلات مسلمین چاره جوئی نماید.

و در پیامهای دیگری برای اثبات این نظریه، به آیات قرآن در رابطه با حج و خانه کعبه استدلال می کنند. در پیام سال ۶۳ چنین می فرمایند:

«بیت الله الحرام، اول پیشی است که برای ناس بنا شده است، بیت همگانی است هیچ شخصیتی و هیچ رژیمی و هیچ طایفه ای حق تقدم در آن را ندارند.»

قیام برای ناس

از این سخن امام چنین بر می آید که: هیچ مقام و هیچ رژیمی حق ندارد که بر سایر مسلمین در تعیین تکلیف پیشی بگیرد و برای آنها مشخص کند که هرگاه به مکه برای انجام مناسک حج مشرف شدند، یا در مدینه به زیارت پیامبر اکرم «ص» و ائمه معصومین موفق شدند، چه کاری را باید انجام دهند و از چه کاری دست بردارند!! و اساساً خانه کعبه و حرمین شریفین در اختیار هیچ قدرت و حکومتی نیست که بخواهد برای مردم تعیین تکلیف نماید. خداوند در قرآن کریم می فرماید: این خانه برای مردم بنا نهاده شده است. پس این خانه که خانه خدا است، برای مردم است و همه مردم در آن حق دارند.

حضرت امام در قسمتی دیگر از پیام سال ۶۳ می فرمایند:

«پیشی که برای قیام تاسیس شده است، آن هم قیام ناس وللتاس؛ پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف انجام داد.»

آیه شریفه می فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مبارکاً» نخستین خانه ای که برای مردم وضع شده و بنا نهاده شده است همان خانه مبارکی است که در مکه می باشد. بنا بر این، خانه ای که برای استفاده و منفعت مردم وضع شده است، آیا روا است که به آنجا برویم و بی آنکه نظر به منفعت مردم داشته باشیم، به یک عبادت خشک بی محتوا بسنده نمائیم و آنگاه پس از تمام شدن مراسم حج، به سایر نقاط زمین برویم و برای حفظ منافع مردم اقدام کنیم؟! آیا بجا است که ما عبادت حج را در کنار خانه خدا بجا آوریم و آنگاه رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در کشورهای خودمان انجام دهیم؟!؟

رمی جمرات که ظاهر آن در زدن سنگ ریزه به جمره اولی و وسطی و عقبه خلاصه می شود، در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر

اسرائیل و مرگ بر ابرقدرتها» تجلی می یابد. و به عبارت دیگر: آن مسلمان فلسطینی و یا لبنانی و یا افغانی که زیر بار ظلم قدرتهای فاسد، کمرش خم شده و از دست آنها به ستوه آمده است، اگر بخواهد زدن سنگ به جمره را از عمل تبدیل به لفظ کند و در قالب الفاظ بیاورد، باید فریاد بزند: «مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و مرگ بر شوروی».

و هر گاه بخواهیم این شعارها را از لفظ به صورت عمل جدی تر در بیاوریم، باید مبارزه همه جانبه را با قدرتهای ظالم آغاز نمائیم!

اهتمام به امر مسلمین

امام خمینی در پیام سال ۵۷ می فرماید:

«اکنون که موسم حج بیت الله الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانه خدا آمده اند، لازم است در خلال اعمال شریفه حج، به یکی از بزرگترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی رسیدگی کرده و از گرفتاریهای برادران ایمانی خود مقلع گشته و در رفع آن در حد وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام به امر مسلمین از فرائض مهم اسلام است.»

این سخن تکرار همان روایت مشهور و معروف است که از پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «من اصبح ولم یهتم بأمر المسلمین فلیس بمسلم». هر که صبح کند و اهتمام به امر مسلمین ننماید، مسلمان نیست.

حال که اهتمام به امر مسلمین از فرائض مهم اسلامی است و هر که به این امر اهمیت ندهد، مسلمان نیست، آیا می شود قبول کرد که این فریضه بزرگ اسلامی (اهتمام به امور مسلمین) در ایام حج واجب نیست؟! یا بدتر از آن که کسی بگوید: جایز نیست!!! آیا این سخن می تواند قانع کننده باشد که: از این اجتماع عظیم و این فرصت بزرگ که خداوند آن را فراهم کرده، هیچ فائده ای برای مسلمین منظور نمائیم و این فرصت را از دست بدهیم و به امر مسلمین اهتمام نوزیم، ولی هنگامی که به کشورهای خودمان برگشتیم و همه پراکنده شدند، هر کس در گوشه ای از جهان به این امر اهتمام ورزد؟! و مگر چنین چیزی امکان پذیر است؟!؟

عقل نیز به ما حکم می کند که هر وقت فریضه ای بر ما واجب شد، در مکان و زمان معین شده آن را انجام دهیم و همواره منتظر فرصت باشیم تا بهترین بهره ها را در رابطه با اهتمام به امر مسلمین از آن فرصت ببریم. و برای اهتمام به امر مسلمین، چه جایی و چه زمانی بهتر و مناسبتر از مکه و ایام حج می باشد؟

امام خمینی در پیامی ما را به این اجتماع عظیم توجه می دهند

وچنین می فرمایند:

«اگر در این اجتماع بزرگ حج، کاری برای رفع مشکلات و گرفتاریهای جهان اسلام اقدام نشود، ما نباید از اجتماعات کوچک امیدی داشته باشیم».

یعنی اگر ما در این اجتماع بزرگ که مسلمین از اقصی نقاط عالم به خانه خدا آمده اند، فکری برای حل مشکلات مسلمانان نکنیم و در پی چاره جویی نباشیم، بی گمان در اجتماعات کوچکی که هر روز یا هر هفته بر پا می شود مانند نماز جماعت و نماز جمعه، نمی توانیم آن هدف بزرگ را تعقیب نمائیم.

و همچنین امام در قسمتی از پیام سال ۵۷ چنین می فرماید:

«جبهات سیاسی زیادی در اجتماعات و جمعاعات و خصوصاً اجتماع گرانهای حج می باشد که از آن جمله، اقلع بر گرفتاریهای اساسی و سیاسی اسلام و مسلمین است که با گردهمایی روحانیون و روشنفکران و متعهدان زائریت الله الحرام، ممکن است طرح و یا مشورت از راه حلها مقلع و در بازگشت به کشورهای اسلامی، در مجتمع های عمومی گزارش داده و در رفع آنها کوشا شوند».

تنها بعد عرفانی مطرح نیست

برداشت حضرت امام - با این بیان - از اجتماعات مذهبی این است که: وقتی ممکن است یک فرد مسلمان، عبادتی را به تنهایی انجام دهد و در آن حالت تنهایی، رابطه خصوصی بین خود و خدایش محقق می شود و انجام می پذیرد، خداوند این عبادت را در حال جماعت و همراه با دیگران قرار داده بلکه ثوابش را بیشتر تعیین نموده است و ما از این می فهمیم که در این عبادت علاوه بر آن بُعد عرفانی و روحانی که شاید با تنهایی و خلوت بیشتر سازگار باشد، هدف مهمتری تعقیب می شود و برای تحقق آن هدف مهمتر و والاتر، خداوند این عبادت را در حال جماعت قرار داده است.

و این برداشت درست مخالف آن برداشتی است که هدف از عبادت اسلامی را ایجاد نوعی حالت خلوت و تزکیه و تنهایی با خدا می داند. زیرا اگر با آن پیش به عبادتها بنگریم، می بایست نمازهای یومیه را فرادی و دور از جماعت بخوانیم و باید ثواب این نماز خواندن بیشتر از جماعت باشد!! در حالی که می بینیم بقدری روایتهای معصومین علیهم السلام تاکید بر جماعت کرده اند که حتی آن را بر نماز اول وقت خواندن، بالاتر و مهمتر می دانند و فقها تاکید بر این مسئله دارند که اگر نماز جماعت در اول وقت بر پا نشود، بهتر است از خواندن آن در اول وقت و به صورت فرادی صرف نظر کنند و منتظر بر پائی جماعت شوند تا آن را با جماعت بخوانند و امامان ما

ثواب نماز جماعت را به تناسب جمعیت بیشتر دانسته اند یعنی هر چه جمعیت نماز گزار بیشتر شود، ثواب بیشتری عاید نماز گزاران و مامومین می شود و اگر حضور قلبی در نماز پیدا شود، آن حضور قلبی مطلوب است که در حال جماعت باشد.

اسلام حالت عرفانی و ملکوتی و روحانی را برای یک عبادت کننده و پروردگار خود در صورتی می پسندد که آن حالت در اجتماع برای انسان حاصل شود و گرنه آن تنهایی ها که دنبال آن خلسه ها و حالت های عرفانی خشک است، مورد پسند نمی باشد.

پس همانگونه که نماز جماعت بر نماز فرادی رجحان دارد و نماز جمعه ثوابش از جماعت بیشتر است و هر چه اجتماع بیشتر شود، ثواب افزونتر می گردد تا برسیم به حج که در آن مسلمانان از سراسر جهان جمع می شوند و می بینیم که در اسلام ثواب بیشتری برای آن تعیین شده است، از این نوع تشریح ثابت می شود که: باید در کنگره جهانی حج، مسائل سیاسی و اساسی جهان اسلام مطرح شود و به گفته امام بزرگوارمان: اگر حج از این مسائل تهی باشد، مقبول نیست و یک قالب بی محتوا و یک صورت بی معنا است.

همچنین برداشت امام از اعمال و مناسک گوناگونی که در این فریضه بزرگ اسلامی (حج) باید انجام پذیرد، این است که مسلمان باید از تمام این اعمال، استفاده سیاسی کند. مثلاً در طواف خانه خدا صرفاً تقویت رابطه و پیوند معنوی خود با خدا را نخواهد بلکه بداند که اگر گرداگرد این خانه گشت معنایش این است که برگرد دیگران نگردد و تنها بر خداوند تکیه کند و دست از شوق و غرَب بشوید و در راهی جز راه مستقیم قدم نگذارد. در دنیائی که انسان ها را وادار یا تهدید یا تطمیع می کنند و یا فریشان می دهند که برای نجات خود و خوشبخت شدن در دنیا باید بگرد هر کاخ نشینی بگردند، خداوند به مسلمانان تکلیف می فرماید که برای رفع و حل مشکلاتشان به دور خانه خدا بگردند و با اتکال و اتکاء بر نیروی ذوالجلال، و با وحدت و همبستگی با سایر مسلمین، در پی رفع مشکلات باشند. پس چطور می توانیم بگوئیم: حج فقط برای برقراری رابطه معنوی و فردی است بین عبادت کننده و معبود خویش؟!۱

ادامه دارد

۱ - در سوره بقره، آیه ۱۶۹ می خوانیم: «ثم أقبضوا من حيث أفاض الناس واستغفروا الله إن الله غفور رحيم» - آنگاه از همان جا که همه مردم سرافراز می شوند، سرافراز شوید و از خداوند طلب آمرزش کنید که همانا خداوند آمرزنده و رحیم است.

۲ - سوره آل عمران آیه ۶۶.